

## اختلافات ناشی از تقسیم آب رودخانه‌های مرزی

مطالعه موردی ایران و افغانستان ۱۴۰۲-۱۲۸۲

رضا سیمبر<sup>۱</sup>

هوشنگ ایمان‌پور<sup>۲</sup>

### چکیده

یکی از پیامدهای ناشی از تغییرات اقلیمی جهانی، بحران کمبود آب و اختلافات ناشی از آن در میان دولت‌های ذی نفع است. بحرانی شدن وضعیت اقلیمی جهان منجر به بروز اختلافات بین دولت‌ها در ارتباط با تقسیم آب‌های مشترک شده است. در این مقاله با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات به روش اسنادی-کتابخانه‌ای، به این سؤال که: "عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری و تشدید اختلافات ناشی از تقسیم آب رودخانه‌های مرزی بین جمهوری اسلامی ایران و همسایگان کدام‌اند؟" پاسخ می‌دهیم. فرضیه ارائه‌شده در قبال سؤال یادشده در بالا، بر این مبنا استوار است که در کنار نقش آشکار پدیده "کمبود آب" در بروز اختلافات یادشده، لازم است که چهار متغیر دیگر؛ سیاست قدرت‌های فرامرزی، مدیریت منابع آبی، فاصله ایدئولوژیکی و عدم ثبات حکومت‌ها، نیز مورد بررسی و تحلیل نخبگان سیاسی قرار بگیرند. متغیرهای یادشده در دو گروه داخلی (عدم ثبات حکومت‌ها و مدیریت منابع آبی) و خارجی (سیاست قدرت‌های فرامرزی و فاصله ایدئولوژیکی) تقسیم می‌گردند. لازم به یادآوری است که تبیین متغیرهای یادشده، الزاماً به معنی عدم وجود عوامل دیگر در چارچوب مورد بحث نیست و چه بسا که در بستر پژوهش‌های آینده در این زمینه، متغیرهای جدیدی شناسایی گردند.

### واژگان کلیدی:

تغییرات اقلیمی، بحران آب، سیاست آبی، اختلافات مرزی رودخانه‌ای، سیاست قدرت‌های فرامرزی، عدم ثبات حکومت‌ها، فاصله ایدئولوژیکی، مدیریت منابع آبی، همکاری و هم‌گرایی منطقه‌ای.

درجه مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۵/۱۴ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۷/۰۴

<sup>۱</sup>. نویسنده مسئول و عضو هیئت علمی و استاد گروه علوم سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان،

جمهوری اسلامی ایران. simbar@guilan.ac.ir

<sup>۲</sup>. دانش آموخته مقطع دکتری رشته روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان،

جمهوری اسلامی ایران. himanpour@yahoo.ca

## مقدمه

امنیت آبی<sup>۱</sup> موضوعی بالقوه تنش‌زا و بااهمیت در حوزه سیاست بالا<sup>۲</sup> به شمار می‌رود. در منطقه خاورمیانه، کمبود آب، که از دهه ۷۰ میلادی رو به وخامت گذاشته است، هیچ‌گاه به‌عنوان یک مسئله سیاسی مورد توجه قرار نگرفته است زیرا به دلیل ساختارهای سیاسی و فقدان ساختارهای مدنی، امکان نادیده انگاشتن مشکل مزبور وجود داشته است. به‌عبارت‌دیگر، دولت‌ها این مسئله را کم‌اهمیت شمرده‌اند و اجازه نداده‌اند تا تبدیل به یک موضوع مهم سیاسی گردد. از آنجا که آب عنصری بنیادی در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی، و همچنین پایداری محیط زیستی هر جامعه و اقتصاد سیاسی هست، می‌توان ادعا نمود که منبعی راهبردی به شمار می‌رود. در حقیقت در اقتصادهای سیاسی که پایداری آبی به‌عنوان "خودکفائی آبی"<sup>۳</sup> تعریف شده است، آب به‌عنوان یک منبع راهبردی خاص شمرده می‌شود. در نتیجه، زمانی که خبر کمبود آب در چنین اقتصادهایی به نحوی گسترده برملا می‌گردد، مسئله امنیت آبی می‌تواند در زمره موضوعات "سیاست بالا" گنجانده شده و حتی می‌تواند جزئی از ترتیبات تدوین سیاست خارجی دولت‌ها باشد.

در سایه اقدامات مرتبط با توسعه صنعتی، بسیاری از شهرها و شهرک‌های منطقه جنوب غرب آسیا رشد سریعی را تجربه نموده‌اند. در عین حال، ساکنین این مناطق در یافتن راه‌کارهای مؤثر در مدیریت زباله و بهینه‌سازی مسیرهای فاضلاب بسیار آهسته عمل کرده‌اند. در نتیجه، تلاش برای دسترسی به آب تمیز و شیرین، تبدیل به منبع کشمکش و نزاع در سطوح داخلی و خارجی شده است. شواهد، حاکی از آن است که در آینده شاهد رویدادهای زیادی از جنس نزاع و جنگ بر سر آب در هر دو حوزه داخلی و خارجی، خصوصاً در میان کشورهایی که نیاز دسترسی به آب‌های رودخانه‌ای دارند، خواهیم بود. احداث سد بر روی رودخانه‌ها به‌منظور ایجاد دریاچه برای مصارف آبیاری و تولید نیروی برق در سرزمین دولت "بالا-دست"، موجب کاهش دسترسی دولت(های) "پایین دست" به آب مورد نیاز آن‌ها خواهد بود (Swatuk, 2021: 18).

می‌توان انتظار داشت که چنین وضعیتی نهایت موجب بروز اختلاف میان دولت‌های ذی نفع خواهد گردید، به همان‌گونه که در مورد احداث سد بر روی رود نیل توسط اتیوپی، شاهد اعتراض دولت مصر بوده‌ایم. همچنین می‌توان از احداث سد جدید ایلینو بر روی

---

<sup>1</sup>. Water Security

<sup>2</sup>. High Politics

<sup>3</sup>. Water self-sufficiency

رودخانه فرات توسط ترکیه نام برد که موجب نگرانی دولت‌های عراق و سوریه به نحو مستقیم و جمهوری اسلامی ایران به طور غیرمستقیم شده است. در این راستا، به‌طور مشخص می‌توان به اختلاف بین ایران و همسایگانش در ارتباط با تقسیم قانونی منابع آبی رودخانه‌ها اشاره نمود که چنانچه از طریق به‌کارگیری دیپلماسی آب و همکاری دوجانبه و چندجانبه مرتفع نگردد، بروز منازعات مرزی و شاید وقوع جنگ محدود و یا حتی تمام عیار در بین دولت‌های ذی نفع، امری محتمل به نظر می‌رسد.

اگرچه قانون بین‌المللی آب<sup>۱</sup> به‌عنوان مرجعی بین‌المللی بر موضوعات مرتبط با مدیریت آب‌های مشترک نظارت دارد، اما در اکثر اوقات اختلافات آبی بین دولت‌ها این قانون را نادیده می‌گیرند و مفاد توافقنامه‌هایی که بر مبنای این قانون به امضای دو یا چند دولت رسیده‌اند، به دلایل مختلف سیاسی، اقتصادی، ایدئولوژیکی، فرهنگی و غیره زیر پا گذاشته می‌شوند. به همین دلیل است که ما شاهد اختلافات آبی در منطقه خاورمیانه و دیگر نقاط دیگر جهان هستیم (Eckstein, 2009: 31).

منطقه غرب آسیا به دلیل کمبود منابع آبی و هم‌زمان با افزایش روزافزون جمعیت، همواره در آستانه تنش و حتی بحران آب قرار داشته است. کمبود آب بر روابط سیاسی بین کشورهای منطقه سایه افکنده و برخی اختلافات و حتی درگیری‌هایی را هم سبب شده است. جمهوری اسلامی ایران نیز از این امر مستثنی نیست و با توجه به کاهش منابع آبی به دلیل مدیریت ناکارآمد و مصرف غیرعلمی منابع آبی، نیازمند مدیریت راهبردی تعاملات خود با همسایگان آبی هست. اگرچه طبق قواعد حقوق بین‌الملل، قراردادهایی بر اساس حقوق کشورهای ذی نفع در استفاده از منابع آبی مشترک منعقد شده و همچنین همکاری‌هایی در زمینه بهره‌برداری از منابع آبی مشترک بین این دولت‌ها صورت گرفته است، اما همچنان اختلافات مربوط به بهره‌برداری از منابع آبی با برخی از کشورهای همسایه، نظیر قراردادهای آبی با افغانستان که در گذشته توسط دولت وقت انگلستان و دیگر قدرت‌های فرامرزی بر ایران تحمیل شده بود، وجود دارند (Dehshiri, 2019: 597).

در ارتباط با تقسیم منابع آبی مشترک بین ایران و همسایگان آن، اقدامات دو کشور ترکیه و افغانستان به نحو برجسته‌ای احتمال تشدید اختلافات و شاید درگیری نظامی را به نمایش می‌گذارند. اختلاف آبی بین ایران و عراق از تنش کمتری برخوردار هست به دلیل اینکه هر دو دولت متأثر از اقدامات سدسازی دولت ترکیه بر روی رودخانه‌های دجله و فرات

<sup>۱</sup>. International Water Law

می‌باشند. طبیعتاً اقدامات دولت ترکیه مبنی بر احداث ده‌ها سد (۲۲) در مسیر رودخانه‌های دجله و فرات، خود از ظرفیت شکل‌گیری و تشدید اختلافات آبی بین این دولت و همسایگان خود برخوردار است. اختلاف آبی بین ایران و افغانستان در مورد تقسیم آب رودخانه هیرمند نیز منجر به تشدید اختلافات و خدشه‌دار شدن روابط بین دو کشور شده است.

تصور اینکه بروز اختلافات ناشی از تقسیم آب بین دولت‌ها، تنها از کمبود آب نشأت می‌گیرد، دیدگاهی ساده‌انگارانه است. در ادبیات مستخرج از مطالعات انجام شده که به‌عنوان منابع برای انجام این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته‌اند، به نظر می‌آید که در ارتباط با موضوع مورد بحث، فرضیه اصلی آن‌ها بر این مبنا ارائه شده که منازعات و درگیری‌های ناشی از اختلافات حل نشده آبی، در درجه اول به دلیل وقوع تغییرات اقلیمی و سپس پدیده ناشی از آن یعنی کمبود آب شکل می‌گیرند. در حالی که دیدگاه نوآورانه ارائه شده در پژوهش حاضر متفاوت و براین باور استوار است که در کنار دلیل آشکار "کمبود آب"، عوامل پنهان دیگری در شکل‌گیری و تشدید اختلافات تقسیم آب‌های مشترک دخیل می‌باشند. در چارچوب این پژوهش، چهار متغیر شناسایی شده‌اند که لازم است به‌هنگام بروز اختلافات آبی، مورد بررسی و تحلیل رهبران سیاسی، نخبگان و کارشناسان آب قرار بگیرند. آن‌ها به ترتیب اهمیت عبارت‌اند از:

- مدیریت منابع آبی. در هر دو کشور "بالا- و پایین-دست"، این متغیر ظرفیت ایجاد اختلال در روابط بین دولت‌های ذی نفع در ارتباط با اشتراک منابع مرزی رودخانه‌ای را دارا هست. برخلاف سه متغیر دیگر که دولت "بالا-دست" نقش اصلی را در آن‌ها ایفا می‌نماید، مدیریت منابع آبی در مورد هر دو دولت درگیر صادق است. طبیعتاً چنانچه مدیریت و استفاده از آب موجود به نحو علمی و بهینه و با استفاده از روش‌های پیشرفته آبیاری و بازیافت آب مصرف شده، مدیریت گردد، آب کافی برای استفاده هر دو طرف موجود بوده و احتمال شکل‌گیری و تشدید اختلافات و درگیری نظامی کاهش می‌یابد.
- عدم ثبات حکومت. عدم ثبات دولت "بالا-دست" رودخانه، از ظرفیت ایجاد اختلاف با دولت "پایین-دست" برخوردار است. به‌عنوان مثال، حکومت طالبان به‌منظور کسب امتیاز "شناسایی دولت"، می‌تواند سیاست "بده-بستان" را اختیار نموده و در استمرار جریان آب رود هیرمند به مقصد ایران، به‌عنوان راهبردی ابزاری، اختلال ایجاد نماید (همان‌گونه که این روزها شاهد آن هستیم). مضافاً

اینکه منحرف نمودن افکار عمومی از بی‌ثباتی و ناکارآمدی حکومت نیز می‌تواند یکی از دلایل "ایجاد مصنوعی" اختلاف آبی با دولت همسایه باشد.

- فاصله ایدئولوژیکی. این نوع فاصله بین دولت‌های "پایین-دست" و "بالا-دست" مرزهای رودخانه‌ای، می‌تواند منجر به شکل‌گیری اختلاف بین دولت‌های ذی‌نفع شود و به‌صورت اختلاف بر سر آب نمایان گردد. این فاصله می‌تواند سیاسی (نوع رژیم)، مذهبی (شاخه‌های دینی)، و اجتماعی/ فرهنگی (باز یا بسته) باشد. به‌طور مثال، فاصله ایدئولوژیکی مذهبی بین ایران (شیعه) و افغانستان (سنی) می‌تواند به‌عنوان دلیل بنیادی بالقوه، برای بروز اختلاف بر سر منابع آبی مرزی گردد.
- سیاست قدرت‌های فرامرزی. اشاره به اقداماتی دارد که یک دولت فرامرزی به‌منظور بی‌ثبات نمودن وضعیت دولت "پایین-دست" رودخانه، از طریق تحریک دولت "بالا-دست"، موجب ایجاد اختلال در روابط بین دولت‌های ذی‌نفع می‌گردد. برای مثال، دولت آمریکا می‌تواند حکومت طالبان در افغانستان را تشویق به اختلال در ارسال آب رودخانه هیرمند به ایران نماید، گرچه با توجه به ماهیت رابطه اخیر بین آمریکا و افغانستان امری غیرمحمتمل به نظر می‌رسد، اما فضای سیاست بین‌الملل مملو از شگفتی‌های ناباورانه است!

منطقه مِنا (خاورمیانه و شمال آفریقا) شامل گروه ناهمگنی از کشورها با طیفی از کشورهای صادرکننده نفت با درآمد بالا در خلیج فارس تا کشورهای با درآمد متوسط، متوسط رو به پایین، و کمتر توسعه‌یافته هست. این منطقه به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین واردکنندگان مواد غذایی در جهان بوده و با عدم قطعیت‌های قابل توجه از جانب عرضه و تقاضا مواجه است. بر اساس گزارش مجمع جهانی اقتصاد، بحران آب مهم‌ترین چالشی است که منطقه مِنا با آن روبروست و دارای کم‌ترین آمادگی برای مواجهه با آن هست (عسکری بزایه و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۳).

سیمای کلی الگوی مصرف و مدیریت تقاضای آب کشاورزی در کشورهای منطقه مِنا که با کمبود فزاینده آب مواجه می‌باشند، بیان‌گر آن است که در بیشتر این کشورها محصولاتی تولید می‌شود که مقدار آب مصرفی در فرایند تولید آن‌ها بیشتر از مقداری است که بازتاب کمبود نسبی منابع آب شیرین هست. گرچه به دلیل تحولات، هرچند کُند، که در دهه اخیر در زمینه مدیریت آب و الگوی تجارت خارجی محصولات کشاورزی در برخی از

این کشورها رخ داده است، گرایش به باز تخصیص آب از محصولات "آب بر" به محصولات "با ارزش افزوده" بیشتر و نیاز آبی کمتر مشاهده می‌شود (سلطانی، ۱۳۹۱: ۲).

منازعات آبی زمانی اتفاق می‌افتند که یک منبع آبی، گستره‌ای بیش از یک کشور داشته باشد و کشورهای ذی‌نفع در نحوه استفاده از آن اختلاف نظر داشته باشند. در سال‌های اخیر، مصرف آب به دلیل رشد جمعیت، گسترش شهرها و توسعه کشاورزی، از افزایش چشمگیری برخوردار بوده است و این مسئله سبب بروز بحران آب و منازعه بین کشورها در مورد استفاده از آب رودخانه‌های مرزی شده است. (نجفی، ۱۳۹۹: ۷۶). نقش عوامل جغرافیایی در بروز تنش در بین کشورها بسیار قابل توجه است. به‌ویژه از آن جهت که تنش بر سر عوامل جغرافیایی در زمره بحران‌های ژئوپلیتیکی قرار می‌گیرد که بسیار دیرپا بوده و به دلیل وجود ارزش‌های جغرافیایی در معادله، حکومت‌ها نیز کم‌تر می‌توانند در گفتگوهای سیاسی بر سر این موضوعات به توافقات مورد نظر برسند به این دلیل که در جامعه داخلی کشورشان می‌توانند متهم به خیانت به سرزمین و منافع ملی شوند. در طول سده بیستم و اوایل قرن بیست و یکم، تنش‌های بسیاری در منطقه منا به وقوع پیوسته است که منشأ بسیاری از آن‌ها به‌صورت مستقیم و یا غیرمستقیم به عوامل جغرافیایی و به‌ویژه مرزها مرتبط بوده است. (مختاری هشی و همکاران، ۱۳۹۵: ۸۴).

در ایران کمبود آب، تخریب جنگل‌ها، آلودگی هوا و تغییرات آب و هوایی از مهم‌ترین مسائل زیست‌محیطی به شمار می‌روند. در سال‌های اخیر، کویت یکی از بالاترین دمای هوا را تجربه کرده است. محیط‌زیست عراق تا حد زیادی نابود شده است. جنگ داخلی سوریه بدون شک به وضعیت متغیر برخی از قومیت‌ها برمی‌گردد. اختلافات میان سودان و اسیوپی با مصر در ارتباط با رود نیل را نیز باید به این لیست افزود. بدون تردید در منطقه خاورمیانه، سیاست و محیط‌زیست، ارتباطی تنگاتنگ با یکدیگر دارند که به‌عنوان متغیرهای بالقوه می‌توانند منجر به بروز کشمکش و حتی جنگ در میان دولت‌های منطقه گردد (ملکی، ۱۳۹۷: ۳۴۹). مناطقی مانند خاورمیانه، ساحل در حاشیه صحرای بزرگ آفریقا و منطقه جنوب آفریقا بیشتر در معرض خطر کمبود آب هستند. از آنجا که حل مشکلات ناشی از کمبود آب از عهده یکایک کشورها به تنهایی برنمی‌آید، در نتیجه همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه و بین‌المللی در این زمینه اجتناب‌ناپذیر است و ایجاب می‌نماید تا دولت‌ها اقدام به تدوین سیاست خارجی فعال، پویا و متناسب با شرایط جدید نمایند (عراقچی، ۱۳۹۳: ۹۹).

پایبندی به تعهدات مشترک بین‌المللی و لزوم تبعیت از قواعد آمراه، دو مبنای بسیار مهم در تبیین نقش دیپلماسی محیط‌زیست در نیل به سوی توسعه پایدار به شمار می‌روند (زارع و همکاران، ۱۳۹۶). بسیاری از رهبران سیاسی در منطقه مینا به‌ندرت بازیگران مدنی و اجتماعی را در امر بررسی خطرات ناشی از کمبود آب وارد می‌نمایند. در نتیجه، ظرفیت‌های کلیدی برای حکمرانی انطباقی در ارتباط با کمبود آب در منطقه مزبور، توسعه‌نیافته است و در وضعیت نگران‌کننده‌ای قرار دارد (Sowers, Vengosh, & Weinthal, 2010). گرچه منطقه مینا در زمان‌های دور مهد تمدن بشریت به شمار می‌رفته است، ولی همواره با مشکلات زیست‌محیطی دست‌وپنجه نرم کرده است (Zakhirova, 2022 & Thompson).

### چارچوب نظری. نگرانی در مورد مسائل زیست‌محیطی به حدی است که عده‌ای

معتقدند اگر درگذشته "امنیت بین‌المللی" و "اقتصاد جهانی" دو موضوع اصلی روابط بین‌الملل بوده‌اند، می‌بایست موضوع محیط‌زیست را به‌عنوان مسئله سوم در نظر گرفت (ترابی، ۱۳۹۸: ۷۳۷). نظریه واقع‌گرائی<sup>۱</sup> با تأکید بر نقش دولت‌ها و منازعه و درگیری بین آن‌ها، بر این نکته اصرار دارد که موضوعات زیست-محیطی عمده‌تاً موجب بروز تنش بیشتر می‌گردند. واقع‌گرایان ریشه بسیاری از تنش‌های آینده را در بحران آب می‌بینند و معتقدند در خاورمیانه به‌عنوان منطقه‌ای که چالش‌های آبی روند فزاینده خواهند داشت، هر کشوری که منابع آبی غنی‌تری در اختیار داشته باشد، در مناسبات سیاست آبی<sup>۲</sup> و سیاست جغرافیائی<sup>۳</sup> منطقه‌ای، از توان اثرگذاری عمیق‌تری بهره‌مند خواهد بود. به عبارتی، کمبود آب و ارزش روزافزون آن، به‌طور مستمر ابعاد سیاسی فزاینده‌ای به آن می‌دهد و می‌تواند باعث بروز درگیری‌های منطقه‌ای شود.

از دیگر سو، لیبرال‌ها کمبود منابع آبی را فرصتی جهت اتخاذ سیاست‌های همکاری و همگرایی قلمداد نموده و بر ایجاد نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی در جهت برقراری صلح تأکید می‌نمایند. کمبود منابع آب به‌خصوص در منطقه خاورمیانه و آسیای جنوب غربی، و اشتراک منافع دولت‌های هم‌جوار در بهره‌مندی از منابع آبی، سیاست آبی را به‌عنوان گرایشی مجزا و تخصصی در مطالعات سیاست جغرافیائی مبدل کرده است. در تعریف سیاست آبی، می‌توان از تأثیر و نقش‌آفرینی منابع آب بر روابط سیاسی کشورها سخن به میان آورد. به عبارتی باید آن را دانشی دانست که به بررسی نقش آب به‌عنوان یک عامل

1. Realism Theory

2. Hydro-Politics

3. Geopolitics

مؤثر در چارچوب سیاست جغرافیائی، بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی در سطوح محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی می‌پردازد (حسین پور مطلق: ۱۴۰۱). بنا به نظریه لیبرالیسم، پذیرش بازیگری دولت در کنار سایرین (نهادهای غیردولتی، مدنی و در چارچوب نولیبرالیسم)، می‌تواند نقش دولت‌ها و سایر بازیگران چون سازمان‌های بین‌المللی، اتحادیه‌های منطقه‌ای، و سازمان‌های غیردولتی را در زمینه محیط زیست مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد.

در این میان، می‌توان به نظریه سازه‌نگاری رجوع نمود که باور دارد هویت‌ها، برداشت‌ها و امور بین‌الادانه‌ی دولت‌ها، نقش مهمی در تحلیل و تبیین موضوعات مرتبط با محیط‌زیست ایفا می‌نمایند. پیچیدگی ذاتی تغییرات اقلیمی، آن را به پدیده‌ای مشکل‌ساز برای حکمرانی بین‌المللی تبدیل نموده است. درعین حال، به نظر می‌رسد که اقدامات انجام شده در سطح بین‌المللی، مؤثرترین راه برای مقابله با چالش‌های مرتبط با پیامدهای ناشی از تغییرات اقلیمی و بحران‌های ناشی از آن به شمار می‌روند. با پیدایش دولت مدرن و شکل‌گیری مرزهای سیاسی، کارکرد منابع آبی در اتخاذ سیاست دولت‌ها، نمود بیشتری یافته است. به‌نحوی که در بهره‌مندی از این منابع، از طرفی شاهد بروز تنش‌های فزاینده به‌ویژه در مناطق کم بارش و خشک و نیمه خشک هستیم و از دیگر سو، کاربرد مشترک این منابع می‌تواند زمینه‌ساز بستری برای تحقق روند همکاری‌ها و همگرایی‌های منطقه‌ای باشد.

مهم‌ترین اختلافات ناشی از منابع مرزی خاورمیانه، در حیطه مدیریت منابع آبی رودخانه‌ها پیش آمده است. چنین اختلافاتی به‌ویژه در مناطقی که مشکل شدید کمبود آب وجود دارد، به‌صورت آزاردهنده‌ای آشکار شده‌اند. معمولاً کشورهایی که در قسمت پایین-دست جریان رودهای بین‌المللی واقع شده‌اند بیشترین آسیب‌پذیری را در زمینه نوسان و دریافت آب دارند. چنین کشورهایی اگر در خارج از مرزهای خود با تقاضای آب بیشتری از سوی کشورهای بالا-دست رودخانه مواجه باشند و در داخل نیز دچار افزایش بی‌رویه جمعیت و احیاناً دست به گریبان مشکلات فزاینده ناشی از سوء مدیریت منابع آبی باشند، از نظر امنیت اقتصادی و سیاسی شدیداً ضربه‌پذیر خواهند بود.

اهمیت دیپلماسی آب<sup>۱</sup> در سیاست خارجی ایران در قبال همسایگانش؛ با توجه به مرزهای طولانی کشور با همسایگان و اشتراک در حوضه‌های آبریز فرامرزی فرات-دجله (عراق و ترکیه)، کورا-ارس (ترکیه، ارمنستان و جمهوری آذربایجان)، اترک (ترکمنستان)، قره قوم (ترکمنستان و افغانستان) و رایج-باهوکلات (پاکستان) آشکار می‌شود (Dehshiri, 2019: 599) دیپلماسی آب

<sup>۱</sup>. Hydro-diplomacy



به معنی توان بالقوه درگیری و خشونت و یا برعکس، همکاری و مدیریت آب‌های مشترک و بین‌المللی است که با ادامه روند کمبود و بحران آب در سال‌های اخیر و بدون شک تداوم آن در آینده، بسیار به آن توجه شده است. به عبارت دیگر، دیپلماسی آب توانائی کشورهای ذی نفع در مدیریت آب‌های مشترک است تا وضعیت مناسب و پایدار سیاسی حاصل گردد. بدین معنی که منابع آب مرزی و بین‌المللی بدون هیچ‌گونه تنش یا درگیری بین طرف‌های صاحب "حق آب"، به شکل پایدار مورد استفاده قرار گیرد (Dehshiri, 2019: 600).

زمانی که ما از احتمال نزاع و کشمکش بین دولت‌ها به دلیل اختلافات آبی صحبت می‌کنیم، بدین معنی است که به‌ناچار باید تغییرات اقلیمی (که بحران آب بخشی از آن محسوب می‌گردد) را از زاویه موضوعی مرتبط با سیاست خارجی و دیپلماسی نیز مورد بررسی قرار دهیم. هرچند که نقش متغیرهای تغییرات اقلیمی در شروع جنگ‌ها واضح نیست، اما به احتمال زیاد می‌توانند جنگ‌ها را زشت‌تر نمایند؛ افراد غیرنظامی ساکن در شهرهای ویرانه و یا اردوگاه‌های پناهندگان نسبت به موج گرما، سیل، طوفان، و خشک‌سالی به مراتب آسیب‌پذیرتر خواهند بود. از طرف دیگر، نیروهای نظامی درگیر عملیات در شرایط شدید اقلیمی نیز با چالش‌های مشابه روبرو خواهند گردید که نتیجه آن طولانی‌تر شدن کشمکش‌ها و نابودی جان‌های بی‌شمار می‌تواند باشد.

در مورد ارتباط نظریه‌های روابط بین‌الملل با موضوع مورد بحث و همچنین نسبت متغیرهای شناسایی شده با این نظریه‌ها، می‌توان بیان داشت که متغیرهای "سیاست قدرت‌های فرامرزی و عدم ثبات حکومت‌ها"، از دیدگاه واقع‌گرائی (تهاجمی)، "مدیریت منابع آبی" از منظر لیبرالیسم (همکاری)/ واقع‌گرائی (منازعه) و "فاصله ایدئولوژیکی" با نگاهی سازه‌نگارانه (هویت و برداشت‌های بین‌الذهانی) قابل تبیین می‌باشند.

**از نظر حقوق بین‌الملل.** از نقطه نظر حقوق بین‌الملل، چندین نظریه درباره بهره‌برداری و تقسیم آب‌های مشترک تدوین شده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: (Dehshiri, 2019: 601)

- **نظریه حاکمیت سرزمینی مطلق.** بر مجاز بودن هرگونه استفاده از منابع آب مشترک از سوی کشوری که بر این منابع تمامیت ارضی دارد و یا منابع مذکور از آن کشور عبور می‌کنند، تأکید دارد. با توجه به مخالفت کشورهای پایین‌دست، این نظریه با استقبال روبرو نشد و در سال ۱۹۵۷ به‌طور کلی مردود تلقی گردید.

- **نظریه تمامیت مطلق سرزمینی (حق حاکمیت مطلق قلمرو).** کشورهای ساحلی منابع آب مشترک می‌توانند از این منابع استفاده نمایند؛ با این شرط که وضعیت طبیعی کشور خود را به‌گونه‌ای تغییر ندهند که این تغییر به تمامیت ارضی کشورهای پایین-دست لطمه بزند و یا این بهره‌برداری باعث کاهش یا قطع آب کشورهای پایین-دست و تأثیرات منفی بر آن‌ها نشود.
- **نظریه حاکمیت یا تمامیت محدود سرزمینی (بهره‌برداری هم‌سان و منطقی).** طبق این نظریه، همه کشورهای ذی نفع می‌توانند از منابع آب مشترک بهره‌برداری کنند، ولی این استفاده نباید هیچ‌گونه خسارتی به کشورهای دیگر وارد کند. در حقیقت این نظریه حد وسط نظریه‌های یادشده در بالا است و حقوق همه کشورها (بالا-دست و پایین-دست) را به‌طور یکسان در نظر می‌گیرد و رودخانه‌های بین‌المللی را منابع مشترکی می‌داند که از طریق آن‌ها اجماع منافع مشترک در بین کشورهای ذی نفع شکل می‌گیرد.
- **نظریه منابع مشترک یا مدیریت مشترک (همکاری مشترک و تعاون کشورهای برخوردار از حق آبه).** منابع آب را به‌صورت یک واحد اقتصادی در نظر می‌گیرد که منافع آن باید بین کشورهای ذی نفع تقسیم گردد. این نظریه خواستار تأسیس یک‌نهاد قانونی و سازوکار بین‌المللی، به‌منظور تدوین سیاست‌های مدیریتی مشترک و همکاری کشورهای برخوردار از حق آبه است تا کشورهای ذی نفع از این طریق به حقوق آبی خود برسند.
- **نظریه حق آبه تاریخی.** اولویت در بهره‌برداری از منابع آب مشترک، متعلق به کشوری است که در این موضوع سابقه بیشتری دارد. در نتیجه، کشورهای پایین-دست که در گذشته به تأسیس سازه‌های آبی برای بهره‌برداری از منابع آب مشترک اقدام کرده‌اند، با تأکید بر این سازه‌ها، اولویت بهره‌برداری را مربوط به خود خواهند دانست.
- **نظریه حق انحصار بالقوه انرژی آب.** بیان می‌کند که منابع آب هر کشوری جزء منابع طبیعی آن کشور است.
- **نظریه اسلامی.** اولویت بهره‌برداری از منابع آب مشترک را به مالک آن (کشور بالا-دست) می‌دهد و این مازاد آب است که باید به پایین-دست فرستاده شود. درعین حال، طرف بالا-دست حق وارد کردن خسارت به پایین-دست‌ها را ندارد.

نظریه اسلامی، اساس قوانین مدنی ایران در زمینه استفاده از منابع آب مشترک شده است (قانون مدنی ایران: مواد ۱۵۸ و ۱۵۹).

## ۱. بررسی متغیرهای چهارگانه

• **مدیریت منابع آبی.** آب منبعی طبیعی است که در جنوب غرب آسیا به شیوه نابرابر توزیع شده است. برخی کشورها، مانند ترکیه، از رودخانه‌های بزرگ و پرآب بهره‌مند هستند که آب لازم برای نیازهای صنعتی و کشاورزی آن‌ها را فراهم می‌نمایند. ترکیه، سوریه و عراق در استفاده از نظام آبی رودخانه‌های دجله و فرات مشترک می‌باشند. رژیم صهیونیستی، سوریه، و اردن به‌طور مشترک از رود اردن بهره‌مند می‌شوند. دیگر کشورها، مانند عربستان سعودی، تقریباً هیچ منبع آب رودخانه‌ای در اختیار ندارند. ایران دارای مناطق نزدیک به رودخانه‌هاست و در عین حال مناطق وسیعی از آن کویری می‌باشند. علیرغم اینکه برخی دولت‌ها در دیگر مناطق جهان (شمال آفریقا، آفریقای جنوبی، و حوزه مدیترانه) مقابله با مشکلات آبی خود را شروع نموده‌اند، منطقه خاورمیانه در این راستا فاصله‌ای قابل توجه نسبت به این مناطق داشته و به‌کندی در حرکت است. (Bozorg-Haddad, 2020: 86).

به دلیل اینکه در بسیاری از مناطق واقع در جنوب غرب آسیا کمبود آب وجود دارد، نیاز به توسعه سیستم‌های آبیاری به‌منظور فعالیت‌های کشاورزی و پرورش حیوانات از دیرزمان رایج بوده است و روش‌های متعدد آبیاری در این منطقه یافت می‌گردند. از دیرباز، کشاورزان برای رساندن آب به مناطق کشاورزی، از طریق رودخانه‌ها و بسترهای آبی زیرزمینی در تلاش بوده‌اند. بعضی از کشاورزان آب مورد نیاز خود را از طریق حفر چاه و استفاده از به‌اصطلاح "آب‌های فسیلی"<sup>۱</sup> (آبی که قرن‌ها در زیر زمین وجود داشته است) تأمین می‌نمایند. مشکل اینجاست که باران و نهرها قادر به جایگزینی آب فسیلی نیستند و زمانی که مورد استفاده قرار گرفت برای همیشه خاتمه خواهد یافت.

دیدگاه عمومی بر این باور است که بروز بحران آب (در کنار عوامل طبیعی غیرقابل کنترل) در واقع ناشی از سوء مدیریت منابع آبی است. در حقیقت مدیریت کارآمد منابع آبی، یک عامل کلیدی جهت مقابله با این معضل توسعه پایدار به شمار می‌رود. فقدان دیپلماسی زیست-محیطی، سیاست آبی ناکارآمد و سوء مدیریت منابع آبی، در نهایت منجر به شکل‌گیری منازعات و حتی وقوع جنگ در میان دولت‌های ذی نفع خواهد گردید. منطقه

<sup>۱</sup>. Fossil Water

مینا به عنوان یکی از بزرگ‌ترین واردکنندگان مواد غذایی در جهان محسوب می‌شود و با عدم قطعیت‌های قابل توجه از جانب عرضه و تقاضا مواجه است (عسکری و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۳). بر اساس گزارش مجمع جهانی اقتصاد، بحران آب مهم‌ترین چالشی است که منطقه مینا با آن روبروست و دارای کم‌ترین آمادگی برای مواجهه با آن هست. وضعیت منابع آبی، روش‌های بهره‌وری آب در تولید محصولات کشاورزی، اثرات تغییرات اقلیمی بر تولید و نظام‌های کشاورزی و آسیب‌پذیری کشاورزی دیمی، از جمله عواملی هستند که کشورهای این منطقه را تحت تأثیر قرار داده‌اند (عسکری و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۳).

سیمای کلی الگوی مصرف و مدیریت تقاضا برای آب کشاورزی در کشورهای منطقه مینا که با کمبود فزاینده آب مواجه است، بیانگر آن است که در بیشتر این کشورها محصولاتی تولید می‌شود که مقدار آب مصرفی در فرایند تولید آن‌ها، بیشتر از مقدار تجدیدپذیری مصرف منابع آب شیرین در دسترس است. خوشبختانه به دلیل تحولاتی، هرچند کند، که در دهه اخیر در زمینه مدیریت آب و الگوی تجارت خارجی محصولات کشاورزی در برخی از این کشورها رخ داده است، گرایش به بازتخصیص آب از محصولات "آب بر" به محصولات "با ارزش افزوده" بیشتر، و نیاز آبی کمتر، مشاهده می‌شود (سلطانی: ۱۳۹۱).

مقایسه سرانه منابع آب موجود در کشورهای منطقه مینا نشانگر این حقیقت است که کشورهایی که با بحران آب مواجه می‌باشند، در استفاده از ابزارهای مدیریت تقاضا جهت ارتقاء کارایی و بهبود الگوی مصرف آب کشاورزی موفقیت‌هایی داشته‌اند. بررسی تطبیقی الگوی مصرف و مدیریت تقاضا برای آب کشاورزی، نشان می‌دهد که با وجود لزوم تغییر الگوی "مدیریت عرضه" به الگوی "مدیریت تقاضای آب"، این تغییر در مصرف آب برای امور کشاورزی در اکثر کشورهای منطقه، از جمله ایران، انعکاس نیافته است (سلطانی: ۱۳۹۱). در سال‌های اخیر، مصرف آب به دلیل رشد جمعیت، گسترش شهرها و توسعه کشاورزی، از افزایش چشمگیری برخوردار بوده است و این مسئله سبب بروز بحران آب و منازعه بین کشورها در مورد استفاده از آب رودخانه‌های مرزی شده است (نجفی، ۱۳۹۹: ۷۴).

در کشورهایی که از فناوری پیشرفته‌تری برخوردار هستند، کشاورزان از شیوه‌های مدرن آبیاری بهره‌مند می‌باشند. برای مثال، رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی با استفاده از آبیاری قطره‌ای مقدار آب مورد نیاز حوزه‌های کشاورزی را با استفاده از نرم‌افزارهای رایانه‌ای تنظیم و تأمین می‌نمایند. همچنین تلاش‌های بسیاری در ارتباط با نمک‌زدایی<sup>۱</sup> آب

<sup>۱</sup>. Desalination

دریاها جهت استفاده برای آب شرب و زراعی انجام پذیرفته است. ناگفته نماند که شیرین نمودن آب دریا فرایندی بسیار پرهزینه و نیازمند فناوری پیچیده است، هرچند که با پیشرفت فناوری‌های مرتبط، هزینه‌های انجام این فرایند به نحو قابل توجهی کاهش یافته است.

آلودگی آب در جنوب غرب آسیا معضلی فزاینده و نگران کننده است. افزایش تقاضا برای آبیاری به منظور توسعه کشاورزی منجر به استفاده بیش از حد آب رودخانه‌ها و نهرها شده است. استفاده بی‌رویه بسیاری از کشاورزان از کودهای شیمیائی، موجب آلودگی منابع آبی رودخانه‌ای و نهری گردیده است. از طرف دیگر، کشت و کار و استفاده مستمر از کودهای شیمیائی، منجر به افزایش مقدار نمک در خاک شده است که در نهایت موجب نامناسب بودن زمین‌های مزبور جهت فعالیت‌های زراعی می‌گردد.

با توجه به وجود رودخانه‌های فصلی و دائمی متعدد در غرب ایران و ضرورت بهره‌برداری بهینه و مقرون به صرفه از آن‌ها در راستای امر توسعه؛ فعالیت‌های اقتصادی و کشاورزی، تأمین انرژی، کاهش مسائل زیست‌محیطی و غیره، ضرورت به‌کارگیری دیپلماسی آب برای ایران و کشورهای همسایه را به‌عنوان امری مهم و ضروری نمایان می‌سازد. این امر، ضمن دستیابی به حق عادلانه از منابع آب سطحی کشور، از بروز اختلافات و پیامدهای منفی مهار رودخانه‌های مرزی کشور در زمینه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی با همسایگان پیش‌گیری خواهد نمود.

بسیاری از رهبران سیاسی و کارشناسان آب در منطقه منا به‌ندرت از دانش بازیگران مدنی و اجتماعی در بررسی خطرات ناشی از کمبود آب و رفع مشکلات ناشی از آن استفاده می‌نمایند (Sowers, Vengosh & Weinthal, 2010: 622). مدیریت علمی و نخبه‌گرا به منظور حل معضل کنونی بحران آب در منطقه حیاتی است. پژوهشات انجام شده در این راستا نشان می‌دهد که از تعداد ۲۲ شهر مطالعه شده در کشورهای ایران، عراق و عربستان سعودی، در بازه زمانی ۲۰۲۰-۲۰۳۰، تعداد ۲۰ شهر تحت فشار بیشتری در ارتباط با کمبود آب خواهند بود (Prochazka, Honig, Maitah & Pljucarska, 2018: 2). با توجه به اینکه تقاضا برای دسترسی به آب در بیشتر مناطق منطقه خاورمیانه، خصوصاً ایران، عراق و عربستان (۱۶ از ۲۲ ناحیه)، بدون شک افزایش خواهد یافت، حیاتی است که روش‌های پایدار صرفه‌جویی و مدیریت منابع آبی به کار گرفته شوند (Prochazka, Honig, Maitah & Pljucarska, 2018: 2).

مدیریت ناکارآمد منابع آبی منحصر به شکل‌گیری اختلافات با همسایگان نیست و می‌تواند به صورت بروز اختلافات درون مرزی نیز تجلی نماید که این خود اهمیت توجه خاص به این متغیر را آشکار می‌کند. علاوه بر این، اثرگذاری این متغیر عملکردی دوگانه دارد. بدین معنی که کشورهای بالا-دست و پایین-دست رودخانه مرزی، هر دو قادر به شکل‌گیری و تشدید اختلافات می‌باشند. استان‌های سیستان و بلوچستان، اصفهان و دیگر مناطقی که از خشک‌سالی ناشی از تغییرات اقلیمی و سوء مدیریت منابع آبی رنج می‌برند، در آینده نزدیک مراکز بالقوه بروز منازعات داخلی بر سر منابع آبی خواهند بود.

• **بی‌ثباتی حکومت‌ها.** هم‌زمان با پیدایش نظام‌های سیاسی نوین و یا بی‌ثباتی بلندمدت در منطقه، موضوع "آب" از ظرفیت بالائی برای تبدیل شدن به مسئله‌ای به شدت سیاسی برخوردار است (Yıldız, 2015: 29). دولت‌های بی‌ثبات و برخوردار از حکمرانی شکننده، با هدف منحرف نمودن افکار عمومی داخلی و یا کسب امتیازات بین‌الدولی، مبادرت به شکل‌گیری و تشدید اختلافات آبی با همسایگان مرزهای رودخانه‌ای می‌نمایند. نقش عوامل جغرافیائی در بروز تنش در بین کشورها بسیار قابل توجه است. به‌ویژه از آن جهت که تنش بر سر عوامل جغرافیائی در زمره بحران‌های سیاست جغرافیائی قرار می‌گیرد که بسیار دیرپا بوده و به دلیل وجود ارزش‌های جغرافیائی در معادله، حکومت‌ها نیز کم‌تر می‌توانند در گفت‌وگوهای سیاسی بر سر این موضوعات به توافقات موردنظر برسند. به این دلیل که در جامعه داخلی کشورشان می‌توانند متهم به خیانت به سرزمین و منافع ملی شوند (مختاری هشی و همکاران، ۱۳۹۵: ۸۳). رهبران کشورها و فعالان عرصه محیط‌زیست در تلاش هستند تا سیاست‌هایی متناسب با بهبود وضعیت زیست‌محیطی سرزمین‌های خود وضع نمایند. در ایران و دیگر کشورهای واقع در منطقه خاورمیانه نیز اقداماتی در این زمینه انجام شده است.

برخی از مشکلات زیست‌محیطی در خاورمیانه در حال تبدیل شدن به بحران هستند (ملکی، ۱۳۹۷: ۳۴۹). خشک‌سالی، گرمای شدید، و طوفان ریزگردها زندگی مردم خاورمیانه را تهدید می‌کنند و این بحران‌ها می‌توانند در آینده نزدیک به متغیری برای نزاع و درگیری بیشتر در منطقه تبدیل شوند. در ایران کمبود آب، تخریب جنگل‌ها، آلودگی هوا و تغییرات آب و هوایی از مهم‌ترین مسائل زیست‌محیطی به شمار می‌روند. در سال‌های اخیر، کویت یکی از بالاترین دمای هوا را تجربه کرده است. محیط زیست عراق تا حد زیادی نابود شده است. اختلافات میان سودان و اتیوپی با مصر در ارتباط با رود نیل را نیز باید به این لیست

افزود. بدون تردید در منطقه خاورمیانه، سیاست و محیط زیست ارتباطی تنگاتنگ با یکدیگر دارند که به‌عنوان متغیرهای بالقوه می‌توانند منجر به بروز کشمکش‌ها و حتی جنگ در میان دولت‌های منطقه گردند (ملکی، ۱۳۹۷: ۳۴۹).

ضعف و بی‌ثباتی دولت‌های ذی‌نفع می‌تواند انگیزه‌ای برای شکل‌گیری و بروز اختلافات در تقسیم آب‌های مشترک باشد که این خود می‌تواند به هردو سرزمین‌های بالا-دست و پایین-دست مرتبط گردد. دولت ضعیف و بی‌ثبات بالا-دست، می‌تواند در فرایند استمرار جریان آب به سرزمین‌(های) پایین-دست اختلال ایجاد نموده و از تعهدات قانونی خود سرپیچی نماید. انگیزه چنین رفتاری می‌تواند برای مثال، منحرف نمودن توجه جامعه از کاستی‌های داخلی (سیاسی، اجتماعی، اقتصادی)، کسب شناسایی رسمی، و یا دستیابی به امتیازات سیاسی و اقتصادی، و غیره باشد. در همین راستا، ضعف و بی‌ثباتی دولت پایین-دست می‌تواند بهانه‌ای برای شکل‌گیری اختلاف با دولت بالا-دست با انگیزه آرام نمودن اوضاع نابسامان داخلی و منحرف نمودن افکار عمومی جامعه باشد. گفته شده است که قدرت مسلط و یا تحت سلطه بودن دولت‌های ساحل رودخانه‌ای، در تدوین سیاست داخلی و گفتمان مربوط به آن تأثیرگذار است به نحوی که، برای مثال، توسعه و برنامه‌های امور منابع آبی را توجیه نماید (Menga, 2016: 717). این سیاست‌ها می‌تواند ساخت سد جدید، منحرف نمودن مسیر رودخانه، کاهش و یا قطع کامل جریان آب به پایین-دست (حق آب) و تصمیماتی از این قبیل توسط دولت‌های بالا-دست باشد.

● **فاصله ایدئولوژیکی دولت‌ها.** مرزهای بین‌المللی محدوده جداکننده کشورها و ملت‌ها می‌باشند. به عبارتی، مرز تداعی‌کننده جدائی و تفاوت‌ها (فرهنگی، مذهبی، تاریخی و غیره) است که مردمان همسایه ساکن در داخل محدوده‌های مرزی، از آن برخوردار بوده و به‌واسطه این تفاوت‌ها شناسایی شده و دارای هویت می‌گردند. مرزها تحت شرایط متفاوت به وجود می‌آیند که این موجودیت گاهی درون‌زا بوده و برخی اوقات حاصل وقایع خاص و یا یک تصمیم می‌باشند (به‌مانند تقسیم سرزمین‌های دولت عثمانی به کشورهای متعدد در خاورمیانه توسط بریتانیا). بنابراین، مرزهای بین‌المللی مکان تلاقی کشورها بوده و روابط دولت‌ها از طریق مرزها صورت می‌گیرد. چنانچه مرزها از فلسفه وجودی قابل دفاع و عمیقی برخوردار نباشند، از نظر ماندگاری همواره قابل بحث بوده و این شرایط موجب ناپایداری وضعیت مناطق مرزی و نتیجتاً سوق یافتن به سوی بحران و ناآرامی می‌باشند (مختاری هشی و همکاران، ۱۳۹۵: ۹۹).

فاصله ایدئولوژیکی (سیاسی، مذهبی، فرهنگی، ...) بین دولت‌های برخوردار از مرزهای رودخانه‌ای، می‌تواند منجر به شکل‌گیری و تشدید منازعات آبی گردد. این فاصله می‌تواند سیاسی (نوع ساختار سیاسی)، مذهبی (شاخه‌های دینی)، و اجتماعی/ فرهنگی (باز یا بسته) باشد. به‌طور مثال، فاصله ایدئولوژیکی مذهبی بین ایران (شیعه) و افغانستان (سنی) می‌تواند در تشدید اختلاف آبی اخیر بین دو دولت تأثیرگذار باشد. از طرف دیگر، فاصله ایدئولوژی سیاسی و قومیتی بین ایران و جمهوری آذربایجان از توانائی شکل‌گیری و تشدید اختلاف بالقوه آبی بین این دو دولت، بر سر تقسیم آب رودخانه ارس، برخوردار است. از طرف دیگر، تحلیل سیمای انسانی مرزهای خاورمیانه و شمال آفریقا در هر سه مورد قومی، زبانی و مذهبی نشان از عدم تطابق خطوط مرزی با واقعیت‌ها دارد. بدین معنی که همواره زمینه‌های تنش و درگیری به‌ویژه در مناطق مرزی فراهم است (مختاری هشی و همکاران، ۱۳۹۵: ۹۹). زمانی که مردمان برخوردار از یک فرهنگ همسان، به‌طور مصنوعی و از طریق تعیین خطوط مرزی از یکدیگر جدا می‌گردند، شرایط برای بروز تنش و تنازعات تقویت می‌گردد و می‌تواند لایه‌ای پنهان برای شکل‌گیری اختلافات آبی باشد.

• **سیاست قدرت‌های فرامرزی.** قدرت‌های فرامرزی به تبعیت از منافع ملی و اجرای سیاست خارجی خود، می‌توانند در شکل‌گیری و تشدید اختلافات آبی بین دولت‌های ذی نفع نقش ایفا نمایند. نگرانی در مورد مسائل زیست‌محیطی به حدی است که عده‌ای معتقدند که اگر در گذشته "امنیت بین‌المللی" و "اقتصاد جهانی" دو موضوع اصلی روابط بین‌الملل بوده‌اند، می‌بایست موضوع محیط‌زیست را به‌عنوان مسئله سوم در نظر گرفت (ترابی، ۱۳۸۹: ۷۳۵).

در ارتباط با منطقه مینا و همچنین آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی، این مناطق از نظر سیاست جغرافیائی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار می‌باشند. بی‌ثباتی و بحران در این مناطق می‌تواند منجر به مداخله قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای به‌منظور حفاظت از منافع راهبردی آن‌ها گردد. علاوه بر این، کشمکش‌های ناشی از سیاست جغرافیائی، می‌تواند اثرات منفی بر تقریباً همه مناطق از طریق ایجاد موانع بر سر راه تلاش‌های بین‌المللی در حوزه اقدامات کاهش<sup>۱</sup> و انطباقی<sup>۲</sup> مرتبط با حفاظت از محیط زیست و اشتراک منابع مورد نیاز داشته باشد (ترابی، ۱۳۸۹: ۷۳۵؛ ترابی، ۱۳۸۹: ۷۳۵). گرچه منطقه مزبور در زمان‌های دور

<sup>۱</sup>. Mitigation

<sup>۲</sup>. Adaptation



مهد تمدن بشریت به شمار می‌رفته است، ولی همواره با مشکلات محیط زیستی دست و پنجه نرم کرده است (Zakhirova, 2022 & Thompson: 12).

هنگامی که دولت‌ها درگیر رقابت مستقیم با همسایگان بر سر کاهش جریان آب می‌شوند، کمبود آب<sup>۱</sup> موجب شکل‌گیری نوعی نظم سیاست جغرافیائی<sup>۲</sup> می‌گردد که به تبع آن احتمال وقوع کشمکش مرزی افزایش پیدا می‌کند. گرچه برخی بر این باور هستند که احتمال درگیری‌های مرزی ناشی از معضل آب حتی تا سه دهه آینده دور از ذهن به نظر می‌رسد (Podesta & Ogden, 2007: 121). نگارنده عقیده دارد که به‌دلیل مشخصه‌ها و مؤلفه‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی ملت‌های حوزه خاورمیانه و ماهیت دولت‌های حاکم، بروز کشمکش‌های مرزی و حتی جنگ محدود بر سر توزیع آب در آینده نزدیک بسیار مشهود می‌باشد. پایبندی به تعهدات مشترک بین‌المللی و لزوم تبعیت از قواعد آمره، دو مبنای بسیار مهم در تبیین نقش دیپلماسی محیط زیست در نیل به سوی صلح پایدار به شمار می‌روند (زارع و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۸۶).

رودخانه اردن منافع آبی رژیم صهیونیستی، اردن، لبنان، فلسطین خودمختار، و سوریه را تأمین می‌کند. به همان ترتیب، رودخانه‌های دجله و فرات نیازهای آبی ترکیه، سوریه، عراق و ایران را مرتفع می‌نمایند. این محیط هیدرولوژیکی<sup>۳</sup> بیشتر پیچیده می‌شود زمانی که این واقعیت را در نظر بگیریم که ۷۵٪ از همه آب خاورمیانه در سرزمین‌های ایران، عراق، سوریه و ترکیه یافت می‌گردد (زارع و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۸۶). بدون تردید چنین شرایطی توان بالقوه ایجاد تنش سیاسی در منطقه را دارد. ترکیه تنها کشور منطقه است که وابسته به آب مورد نیاز خارج از مرزهای خود نیست و این مزیت در گذشته به‌عنوان ابزاری علیه دولت‌های سوریه و عراق به کار گرفته شده است (در اوایل دهه ۹۰ میلادی).

بر این مبنای دولت‌هایی به‌مانند ترکیه به‌طور مستقیم و یا در قبال دریافت امتیازاتی از قدرت‌های بزرگ‌تر و در راستای منافع ملی خود، از توانائی استفاده راهبردی از وابستگی دولت‌های پایین‌دست به منابع آبی خود، برخوردار می‌باشند. در ارتباط با وضعیت آبی در ایران، دو مورد بالقوه افغانستان و جمهوری آذربایجان می‌باشند که نفوذ و دخالت دولت‌های فرامرزی (رژیم صهیونیستی، آمریکا و حتی ترکیه) توانائی شکل‌گیری و تشدید اختلافات آبی بین ایران و دولت‌های ذکرشده را دارا است. در هر صورت، استفاده از بهانه آب در

1. Water Scarcity

2. Geopolitical Order

3. Hydrological

مسائل سیاسی بین دولت‌های مرزی، می‌تواند موازنه قدرت را در سطوح منطقه‌ای و حتی بین‌المللی متأثر نموده و نقش قدرت‌های فرامرزی در شکل‌گیری و تشدید اختلافات آبی را آشکار نماید.

## ۲. مطالعه موردی: ایران-افغانستان (۱۲۸۲-۱۴۰۲)

**تاریخچه.** در کنار کمبود آب به دلایل تغییرات اقلیمی، ایران شاهد کاهش منابع آبی خویش ناشی از افزایش مصرف آب است. به همین دلیل مدیریت روابط با کشورهای همسایه از دیدگاه "سیاست آبی"<sup>۱</sup> از اهمیت بالائی برخوردار است. در این راستا و بر طبق قوانین بین‌المللی، توافق‌هایی در زمینه استفاده از منابع آبی مشترک تدوین شده است که انتظار می‌رود دولت‌های ذی‌نفع با رعایت مفاد توافقات و قوانین حاکم، موضوع تقسیم آب‌های مشترک را حل‌وفصل نمایند. با این حال، کماکان شاهد بروز اختلافات ناشی از استفاده قانونی از آب‌های مشترک هستیم. یکی از طرفین این نوع اختلافات، همسایه شرقی ایران یعنی کشور افغانستان است.

افغانستان با وجود منابع آبی مناسب، به دلیل خشک‌سالی و همچنین فقدان مدیریت بهینه این منابع، با بحران جدی آب روبروست. این کشور به دلیل موقعیت جغرافیائی بالا-دست، در طول دهه‌های گذشته و به تدریج، مفاد موافقت‌های آبی با ایران را به نفع خود تغییر داده است که هدف اصلی از این اقدامات، ظاهراً احیای کشاورزی در داخل کشور بوده است. ایران و افغانستان در سه حوضه آبریز قره قوم، پترگان-خواف و هامون هیرمند با هم مشترک هستند و رودخانه‌های هریرود و هیرمند، دو رودخانه مشترک اصلی بین این دو کشور محسوب می‌شوند. احداث چندین سد در نواحی بالا-دست رودخانه‌های هریرود و هیرمند و بی‌توجهی به حقوق کشورهای پایین-دست این رودخانه‌های مشترک، مناطق شرقی ایران (خراسان و سیستان) را با بحران جدی کمبود آب مورد نیاز مواجه کرده است (Dehshiri, 2019: 606).

از زمان به رسمیت شناخته شدن افغانستان از جانب ایران در نیمه قرن نوزدهم میلادی، همواره بر سر تقسیم آب رودخانه هیرمند بین این دو کشور مناقشه وجود داشته که کماکان به قوت خود باقی است. در حقیقت، ریشه این اختلاف توسط ژنرال گلد اسمیت<sup>۲</sup> اسمیت<sup>۲</sup> انگلیسی در سال ۱۸۷۲ میلادی و با قرار دادن مرز ایران و افغانستان در شاخه

<sup>۱</sup>. Hydro politics

<sup>۲</sup>. General Goldsmith

اصلی رود هیرمند پی‌ریزی گردید. در اوایل سده بیستم میلادی، دولت افغانستان تحت حمایت بریتانیا مدعی شد که هیرمند یک رودخانه داخلی و متعلق به افغانستان است و هیچ مناقشه‌ای در این زمینه وجود ندارد. در سال ۱۹۰۳ میلادی (۱۲۸۲ شمسی)، سرگرد مک ماهون بریتانیایی با تأیید مرزهای تعیین شده توسط گلد اسمیت، منابع آبی هیرمند در منطقه مرزی را به صورت مساوی بین دو کشور تعیین نمود. هرچند که دو سال بعد، نظرش را تغییر داد و ۲/۳ از آب هیرمند را به افغانستان و بقیه را به ایران اختصاص داد (Dehshiri, 2019: 607).

در سال ۱۹۳۹ میلادی قراردادی برای حل مناقشه هیرمند بین رضاشاه و محمد نادرشاه منعقد شد که بر طبق آن، آب هیرمند از حدود ۴۸ کیلومتری داخل سرزمین افغانستان به طور مساوی بین دو کشور تقسیم می‌شد و دولت افغانستان تعهد داد که هیچ رودخانه فرعی جدیدی در ناحیه مرزی ایجاد نکند. به دلیل عدم وجود اجماع بین مقامات افغانستان و همچنین تبعید رضاشاه در سال ۱۹۴۱ میلادی، مجلس افغانستان این توافق‌نامه را تصویب نکرد. در سال ۱۹۴۵، دولت افغانستان برای ساخت چندین سد و آبراهه‌های انحرافی بر روی رودخانه هیرمند، قراردادهایی با آمریکایی‌ها منعقد نمود و متعاقب آن در سال ۱۹۴۹ میلادی، عملیات احداث سد بزرگ کجکی روی هیرمند شروع گردید. این امر، اعتراض شدید ایران را به همراه داشت و نمایندگان دو دولت ۱۰ سال بعد در سال ۱۹۵۹ میلادی، برای مذاکره و حل اختلاف به واشنگتن رفتند که میانجیگری آمریکا هیچ نتیجه‌ای در راستای حل اختلاف به همراه نداشت.

در سال ۱۹۷۳ میلادی (۱۳۵۱ شمسی) پیش‌نویس توافقنامه‌ای بین دو کشور تهیه گردید که بر طبق آن، سهم ایران از آب رودخانه هیرمند ۲۶ مترمکعب بر ثانیه تعیین شد (۲۲ مترمکعب سهم طبیعی و ۴ مترمکعب به صورت خریداری آب). بدین ترتیب، در حالی که زمانی بیش از ۷۰٪ از آب هیرمند وارد ایران می‌شد، طبق این توافقنامه حق آبه ایران به کمتر از ۱۰٪ می‌رسید و انعقاد آن نوعی پیروزی دیپلماتیک برای افغانستان محسوب می‌شد. گرچه این پیش‌نویس به تصویب مجالس دو کشور رسید؛ اما به دلیل وقوع کودتا در افغانستان در سال ۱۹۷۳ میلادی، اسنادی در این باب مبادله نگردید. اشغال افغانستان توسط شوروی سابق و متعاقب آن شروع جنگ داخلی، مانع از آن شد که بین این دو کشور همسایه، قرارداد جدیدی برای حل مناقشات آبی به تصویب برسد (Dehshiri, 2019: 607-8).

روی کار آمدن حکومت طالبان، وقوع خشک‌سالی شدید در این دوران، و تضاد دولت طالبان با دولت جمهوری اسلامی ایران، موجب شد که جریان آب ورودی از سمت

سدهای کجکی و ارغنداب به سوی ایران کاملاً متوقف گردد و نماینده دولت ایران در سازمان ملل متحد با ارسال نامه رسمی به دبیر کل این سازمان، مراتب ناراضیتی ایران از اقدام دولت طالبان را ابراز نمود. با پایان حکومت طالبان در سال ۲۰۰۱ میلادی (متعاقب حادثه ۱۱ سپتامبر در آمریکا و اشغال افغانستان) و سفر حامد کرزای، رئیس دولت موقت افغانستان، به ایران در سال ۲۰۰۲ میلادی، مقامات دو کشور سند همکاری امضاء نمودند که به موجب بند ۱۳ آن، طرفین اجرای مجدد قرارداد ۱۹۷۳ درباره تقسیم آب هیرمند را خواستار شدند. بدین ترتیب، سالانه باید ۸۲۰ میلیون مترمکعب آب از رود هیرمند وارد استان سیستان ایران شود که البته به دلیل تغییرات اقلیمی و مقدار بارندگی، این مقدار نوسان داشته است.

با خروج مفتضحانه آمریکا از افغانستان در سال ۲۰۲۱ میلادی و به حکومت رسیدن مجدد گروه طالبان در این کشور، اختلاف دیرینه بین ایران و افغانستان بر سر تقسیم آب رود هیرمند مجدداً آشکار گشته است. طالبان ادعا می‌کند که دلیل کاهش (و گاهی قطع کامل) جریان آب هیرمند به ایران، ناشی از کاهش بارندگی و کمبود آب است. ایران این ادعا را قبول ندارد و خواهان بازرسی از منابع آبی پشت سدهای مرتبط است تا ادعای طالبان محرز گردد. طبیعتاً این وضعیت شرایط را برای تشدید اختلاف و بروز کشمکش و حتی جنگ محدود بین دو کشور، آماده نموده است.

• **مدیریت منابع آبی.** در حوضه آبریز هامون؛ خشک شدن دریاچه هامون به دلیل عدم تخصیص حق آبه ایران، و در حوضه آبریز قره قوم؛ کاهش آب ورودی به سد دوستی (منبع اصلی تأمین آب شرب مشهد) به سبب کنترل جریان آب، نمونه هائی از پیامدهای ایجاد شده ناشی از اقدامات دولت افغانستان می‌باشند. آیا مدیریت ناکارآمد منابع آبی نقشی در پس این اقدامات دارند؟ با توجه به وضعیت نامناسب مدیریت منابع آبی نه تنها در افغانستان بلکه در کل منطقه خاورمیانه، می‌توان با اطمینان پاسخی مثبت به این سؤال داد. زمانی که کاهش بارندگی به دلیل تغییرات اقلیمی همراه با مدیریت ناکارآمد منابع آبی، سرزمین بالا-دست را دچار بحران آبی می‌نماید، کاهش یا قطع جریان آب به سرزمین(های) پایین-دست را نیز به دنبال خواهد داشت. به مانند بیشتر کشورهای خاورمیانه، هردو کشورهای ایران و افغانستان از سوء مدیریت منابع آبی رنج می‌برند. پیامدهای این پدیده، نه تنها روابط بین دولت‌های ذی‌نفع، بلکه روابط آبی بین جوامع داخلی طرف‌های ذی‌نفع را نیز تحت تأثیر

قرار خواهد داد. دولت بالا-دست کاهش و یا حتی قطع جریان آب را به بهانه کمبود آب (که در حقیقت محصول مدیریت ناکارآمد منابع آبی است)، توجیه می‌نماید.

دولت بالا-دست به دلیل نیاز به آب بیشتر ناشی از سوء مدیریت منابع آبی، به خود این اجازه را می‌دهد تا جریان آب به دولت پایین-دست را کاهش و یا حتی به کلی متوقف نماید (شبهه به آنچه که در مورد رود هیرمند شاهد هستیم). از طرف دیگر، دولت پایین-دست به دلیل مواجهه با پیامدهای منفی ناشی از سازمان‌دهی ناکارآمد منابع آبی خویش، می‌تواند زمینه برای بروز اختلاف و منازعه با دولت بالا-دست را فراهم نماید. خصوصاً چنانچه جریان آب توسط دولت بالا-دست کاهش پیدا نموده و یا به کلی متوقف گردد.

• **عدم ثبات حکومت.** در اینکه حکومت فعلی در افغانستان از عدم ثبات رنج می‌برد شکی نیست. حکومتی که به شدت به دنبال شناسایی رسمی از جانب دیگر کشورهای جامعه جهانی است. این خود می‌تواند در درجه اول، دلیلی برای اقدامات تلافی‌جویانه علیه همسایگان باشد که می‌تواند به صورت کاهش جریان و یا قطع کامل آب به سوی سرزمین پایین-دست تجلی نماید. به عبارت دیگر، افغانستان به دنبال یک تعامل بده-بستان است تا در ازای برقراری جریان آب، امتیازاتی را که به دنبالش است به دست آورد (برای مثال شناسایی حکومت طالبان توسط دولت ایران). لازم به یادآوری است که به هنگام بروز اختلافات آبی، تحلیل موشکافانه اوضاع توسط دولت پایین-دست امری الزامی است تا دلایل واقعی بروز اختلاف به درستی شناسایی گردند. طبیعتاً در صورت شناخت درست از دلایل زیربنایی و پنهان ماجرا، راهبردها و راهکارهای مناسب در راستای مرتفع نمودن اختلاف به کار گرفته خواهند شد.

با رجوع به نظریه واقع‌گرایی تهاجمی، چنانچه دولت-پایین دست بر این باور باشد که از منظر نظامی بر دولت بالا-دست تفوق دارد و از قدرت بیشتری برخوردار است، در صورت شکست اقدامات دیپلماتیک، می‌توان انتظار داشت که کشمکش‌های مرزی و یا جنگ محدود بین دو طرف به وقوع بپیوندد. می‌توان حتی یک گام جلوتر رفت و اظهار داشت که نیت تسخیر قسمتی از سرزمین حاوی منابع آبی متعلق به دولت بالا-دست نیز در دستور کار قرار گیرد. ناگفته نماند که دیدگاه لیبرالیستی همکاری و مشارکت بین دولت‌های ذی نفع در راستای مدیریت بهینه منابع آبی و تقسیم آب‌های مشترک، می‌تواند گزینه‌ای عقلانی و به مراتب کم‌هزینه‌تر از درگیری و کشمکش باشد. در حال حاضر، این وضعیت در

ارتباط با دولت‌های ایران و افغانستان به وقوع پیوسته و فقدان عقلانیت و دیپلماسی کارآمد در حل و فصل اختلافات مورد بحث، می‌تواند عواقب ناخوشایندی را به ارمغان بیاورد.

• **فاصله ایدئولوژیک.** آیا فاصله ایدئولوژیکی بین ایران و افغانستان می‌تواند دلیلی برای اقدام غیرمنتظره افغانستان در ارتباط با بروز تشنج ناشی از تقسیم عادلانه و قانونی آب رود هیرمند باشد؟ از دیدگاه ایدئولوژیکی مذهبی، فاصله بین مذاهب شیعی و سنی در ایران و افغانستان امری محرز است. متأسفانه به دلیل نفوذ سیاست‌های قدرت‌های بزرگ منطقه، از دیرباز اختلاف بین طرفداران این دو شاخه اسلامی قابل مشاهده بوده و صدمات مالی و جانی بی‌شماری به همراه داشته است. فاصله ایدئولوژیکی اجتماعی این دو کشور نیز قابل توجه است. آزادی‌های اجتماعی موجود در ایران، هرچند با فاصله نسبت به جوامع پیشرفته، قابل مقایسه با آنچه که در افغانستان می‌گذرد، نیست. می‌توان فاصله ایدئولوژیکی سیاسی را نیز به این لیست اضافه نمود. ایران برخوردار از نوعی ساختار سیاسی است که در افغانستان، به دلیل وضعیت نابسامان بین‌المللی حکومت طالبان، وجود ندارد و تفاوت بسیار چشمگیر است.

به هنگام مواجهه با پدیده کم‌آبی، یک یا چندین عوامل یادشده در بالا می‌تواند دلیل (دلایل) پنهانی برای اقدامات دولت بالا-دست نسبت به تصمیم برای کاهش یا متوقف نمودن جریان آب به سرزمین پایین-دست باشد. از منظر نظریه‌سازه‌انگاری، تحلیل و بررسی عوامل ایدئولوژیکی در راستای درک نیات واقعی و بین‌الذهانی اقدامات دولت بالا-دست، می‌تواند از تشدید اختلافات جلوگیری نموده و راهکارهای مناسب برای حل و فصل آن‌ها یافت گردد.

• **سیاست قدرت‌های فرامرزی.** همان‌طور که در بالا اشاره گردید، در اختلاف بین ایران و افغانستان بر سر تقسیم آب رود هیرمند، از دیرباز جای پای قدرت‌های فرامرزی آشکارا قابل مشاهده است. بنیان این اختلاف توسط دولت بریتانیا پی‌ریزی شد و برای دهه‌ها ادامه پیدا نمود. از طرفی دیگر، اتخاذ همین سیاست‌ها در گذشته موجب بروز تنش و بی‌اعتمادی در روابط بین ایران و دولت‌های همسایه شده است و با آنکه ایران در سال‌های گذشته تلاش زیادی برای برقراری روابط دوستانه با همسایگان خود نموده است، اما از آنجا که سیاست تنها بر یک بنیان استوار نمی‌گردد و عوامل و متغیرهای گوناگونی در آن دخیل هستند، صرف برقراری روابط دوستانه لزوماً باعث تغییر یک‌باره دیدگاه دیگران نسبت به آن نخواهد بود و همسایگان همواره جوانب دیگری را نیز در نظر می‌گیرند.

در مورد روابط ایران و افغانستان، باید در نظر داشت که حکومت طالبان حافظه تاریخی خود نسبت به ایران، در رابطه با همکاری ایران با آمریکا در مبارزه برای شکست طالبان در سال ۲۰۰۱، را فراموش نکرده و ایران نیز ماجرای به شهادت رساندن دیپلمات‌های خود در مزار شریف را از یاد نبرده است. از طرف دیگر، ماهیت روابط مناقشه آمیز بین ایران و آمریکا و متحدانش، همواره ما را آماج فعالیت‌های پنهان به منظور تضعیف موقعیت راهبردی ایران قرار داده است. به همین دلیل، در زمان بروز اختلاف با همسایگان، برای مثال تقسیم منابع آب مشترک، دور از تصور نیست که در پشت بهانه "کمبود آب" ابراز شده توسط دولت بالا-دست رودخانه (افغانستان)، نیت و مقاصد دیگری در کار هستند که ممکن است از اقدامات دولت (های) دیگر نشاء گرفته باشند. به عبارت دیگر، به هنگام بروز غیرمنتظره این نوع اختلافات، تنها نباید به ظاهر قضیه توجه داشت. بلکه تحلیل و بررسی امکان دخیل بودن متغیرهای دیگر امری ضروری است. چنین وضعیتی از دیدگاه نظریه واقع‌گرائی به‌خوبی قابل تبیین است.

### نتیجه‌گیری

هدف از انجام پژوهش، شناسایی عوامل داخلی و منطقه‌ای تأثیرگذار بر شکل‌گیری و تشدید اختلافات آبی، و تحلیل شرایطی است که می‌توانند موجب درگیری و کشمکش بین کشورهای ذی نفع شده، و از طرف دیگر تشریح شرایط لازم برای حل و فصل هوشمندانه اختلافات بین طرفین اختلاف است. نوآوری و تمرکز اصلی پژوهش بر این پایه استوار است که بروز اختلافات آبی بین دولت‌ها تنها به دلیل نیاز به مقدار آب بیشتر نیست و عوامل ریشه‌ای و مستقل دیگری می‌توانند در شکل‌گیری و تشدید این اختلافات نقش‌آفرین باشند. به‌منظور حل و فصل اختلافات آبی رودخانه‌ای، دولت‌ها باید در جستجوی دلایل ریشه‌ای و بنیادی مرتبط با موضوع باشند. به عبارت دیگر، شناخت نیت و مقاصد حقیقی زیر بنائی در بروز اختلافات آبی، چه‌بسا که از درگیری و منازعات ناخواسته جلوگیری نماید.

به هنگام مواجهه با اختلافات مرتبط با تقسیم آب‌های مشترک، اقدامات دولت بالا-دست نسبت به کاهش و یا حتی قطع جریان آب به سرزمین (های) پایین-دست، معمولاً به دلیل کمبود و نیاز به آب بیشتر برای مصارف داخلی ابراز می‌گردد. در حالی که عوامل پنهان دیگری می‌توانند دلیل اصلی این اقدامات باشند. در این نوشتار مبادرت به شناسایی چهار

متغیر گردید که از توانائی برای شکل‌گیری و تشدید اختلافات آبی برخوردار می‌باشند. رتبه‌بندی چهار متغیر مزبور از جهت اهمیت، عبارت است از:

۱. مدیریت منابع آبی
۲. عدم ثبات حکومت‌ها
۳. فاصله ایدئولوژیکی
۴. سیاست قدرت‌های فرامرزی

به‌عنوان ابزارِ جلوگیری از بروز درگیری بر سر منابع آبی، دو دسته راهکار داخلی و خارجی را می‌توان شناسایی نمود. از دیدگاه راهکارهای داخلی، می‌توان از تمهیدات برای نظارت بر دسترسی به آب نام برد از جمله: ۱. کاهش مصرف بی‌رویه آب از طریق کاهش استفاده اسراف‌کارانه و افزایش استفاده مفید از منابع آبی؛ ۲. افزایش دسترسی به آب تمیز از طریق کاهش آلودگی‌های صنعتی و فاضلاب، بهینه‌سازی فرایند تصفیه آب فاضلاب و کارخانه‌ای و مدیریت کارآمد آبگیر رودخانه‌ها؛ ۳. در صورت لزوم و قابل توجه بودن، حفر چاه‌ها برای دسترسی به آب‌های زیرزمینی؛ ۴. بسط و توسعه استفاده از به‌اصطلاح "آب خاکستری"<sup>۱</sup> (آب‌های ناشی از فعالیت‌های خانگی که می‌تواند بازیافت شده و مجدداً مورد استفاده قرار بگیرد)، به‌نحوی که برای مثال در کشورهای رژیم صهیونیستی، سنگاپور و کشورهای اسکاندیناوی انجام گرفته است و سرانجام؛ ۵. طراحی و به‌کارگیری روش‌های پیشرفته نمک‌زدایی آب شور (یکی از جالب‌ترین راه‌کارها برای تأمین آب مورد نیاز منطقه جنوب شرق ایران و کاهش وابستگی به آب رود هیرمند). به‌عبارت‌دیگر، با کاهش وابستگی به منابع آبی خارجی، بروز اختلافات و خطر منازعه کاهش خواهد یافت.

مجموعه دیگری از راهکارها معطوف به حل‌وفصل اختلافات بر سر آب قبل از بروز بحران می‌باشند. به‌عبارت‌دیگر، پیش از اینکه به خشونت کشیده شود و یا پیامدهای جدی به بار آورد. در این راستا می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود ۱. ایجاد قوانین و مقررات در سطوح محلی، استانی، ملی و بین‌المللی؛ ۲. همکاری کنش‌گرا بین دولت‌ها و یا بین استان‌های داخل یک کشور و؛ ۳. میانجیگری و داوری<sup>۲</sup>. علاوه بر این، تعداد قابل توجهی از قوانین و مقررات در رابطه با مصرف آب در سطوح محلی، استانی و ملی در اقصا نقاط جهان تدوین شده‌اند. بدیهی است که به‌منظور تقویت و اعمال قوانین و مقررات موجود و نوین، با هدف رسیدگی به معضلات و مشکلات جاری، اقدامات بیشتری مورد نیاز می‌باشند.

<sup>۱</sup>. Greywater

<sup>۲</sup>. Mediation and Arbitration



از طریق شناسایی دلایل واقعی اختلافات و همکاری کنش‌گرانه، درگیری‌ها بر سر آب حل‌وفصل شده و می‌تواند سلامت عمومی، امنیت غذایی و ثبات اجتماعی، زیست-محیطی و اقتصادی را به ارمغان بیاورد. مهم‌تر اینکه چنین همکاری قادر به جلوگیری از درگیری‌های خشونت‌آمیز بر سر آب بوده و موجب برقراری صلح پایدار می‌گردد. دو نمونه از چنین همکاری در منطقه خاورمیانه، "پروژه همسایگان آبی خوب"<sup>۱</sup> و ابتکار "آبگیر رودخانه نیل"<sup>۲</sup> می‌باشند. اولی در سال ۲۰۰۱ با مشارکت کشورهای رژیم صهیونیستی، اردن و فلسطین به‌منظور حفاظت از منابع آبی مشترک تأسیس گردید و شواهد نشان می‌دهد که وضعیت بخش آبی محلی را بهبود بخشیده و صلح در سطح محلی را به ارمغان آورده است (ناگفته نماند که در سال‌های اخیر دولت صهیونیستی برخی مفاد این قرارداد را مورد تخلف قرار داده است).

ابتکار آبگیر رود نیل که در سال ۱۹۹۹ شکل گرفت، یک سرمایه‌گذاری بین‌المللی به شمار می‌رود که بر طبق مفاد مندرج در آن، ۹ کشور ذی نفع منابع آبی رودخانه نیل را توسعه داده، مزایای قابل توجه اجتماعی-اقتصادی به ارمغان آورده، و صلح و امنیت منطقه‌ای را ترویج نموده است. البته احداث یک سد جدید توسط دولت اتیوپی بر روی رودخانه نیل، توافقات قبلی را تحت‌الشعاع قرار داده است که می‌تواند بستری برای شکل‌گیری منازعات در بین دولت‌های ذی نفع (بخصوص اتیوپی، سودان و مصر) در آینده نزدیک باشد. پروژه‌های مشابه فوق را می‌توان در دیگر نقاط گیتی مشاهده نمود (بین بولیوی و پرو برای تقسیم منابع آبی دریاچه تیتیکاکا، تقسیم منابع آب شیرین دریاچه آرال بین ۶ کشور ذی نفع) و غیره.

از نگاهی لیبرالیستی، فرایند سیاست‌ها و تصمیم‌های مسئولان سیاست خارجی هر کشور در ارتباط با حل‌وفصل منازعات آبی و همچنین گسترش همکاری‌ها در زمینه آب‌های فرامرزی، از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد. سیاست و دیپلماسی خارجی از طریق تشویق کشورها به همکاری دوجانبه و چندجانبه، علاوه بر آنکه موجب تقویت همکاری‌ها و انعقاد توافقنامه‌ها در باره مسائل مرتبط با منابع آب‌های مرزی مشترک می‌شوند، از طریق جلوگیری از بروز درگیری‌ها، زمینه را برای توسعه و صلح پایدار فراهم می‌آورند. یکی از مؤثرترین راه‌کارها برای نیل به هدف یاد شده در فوق، تأسیس و تشکیل نهادهای لازم برای حل اختلافات و هماهنگ نمودن منابع آبی مشترک و سایر نگرانی‌های راهبردی به شمار می‌رود.

<sup>۱</sup>. Good Water Neighbors Project

<sup>۲</sup>. Nile Basin Initiative

در منطقه خاورمیانه، برنامه‌ریزی و انجام چنین اقداماتی با چندین متغیرهای مضاعف مواجه می‌باشند که از جمله می‌توان از نفوذ سیاست‌های قدرت‌های بزرگ، فاصله ایدئولوژیکی بین دولت‌ها، عدم ثبات حکومت‌ها، و نحوه مدیریت منابع آبی نام برد که این خود اهمیت راهبرد هوشمندانه در حل و فصل اختلافات را برجسته می‌نماید. به‌کارگیری دیپلماسی محیط زیستی، پیروی از قوانین بین‌المللی، ریشه‌یابی و شناسایی منشأ اختلافات آبی، و توافق‌های همکاری و هم‌گرایی، از جمله راهکارهایی هستند که می‌توانند موجب جلوگیری از بروز و تشدید اختلافات آبی بین دولت‌های ذی نفع گردند. روند تغییرات اقلیمی، بارندگی‌های متغیر، و افزایش دمای کره زمین؛ مردم، جوامع، ملت‌ها، و محیط‌زیست را به نحوی بی‌سابقه تحت تأثیر قرار داده است. این تغییرات تأثیر ماندگار بر فرهنگ‌ها، سنت‌ها، و سبک زندگی مردمان در سراسر جهان خواهند داشت و توانایی بشریت برای مقابله و سازگاری با شرایط ایجادشده را به چالش خواهند کشید. تا زمانی که ملت‌ها و مردمان بر معضلات ناشی از اندیشه‌های حاکمیت، تفاوت‌ها، و ایدئولوژی‌ها غلبه نمایند و تا زمانی که تلاش‌های جامعه جهانی در پاسخ به این پدیده جهانی بدون همکاری و هماهنگی طرف‌های ذی نفع انجام پذیرد، جامعه جهانی محکوم به آینده‌ای غیرقابل پیش‌بینی و تاریک خواهد بود.

## منابع و مآخذ

### فارسی

- ترابی، قاسم (۱۳۸۹): محیط زیست از منظر واقع‌گرایی، لیبرالیسم، و بوم‌گرایان افراطی (با تأکید بر پروتکل کیوتو)، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و چهارم، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۹، صص: ۷۳۵-۷۵۶.
- جانسیز، احمد (۱۴۰۰): مدیریت بحران آب و جلوگیری از جنگ‌های آبی در منطقه جاده ابریشم، صص ۷-۱.
- جدیدی، الهه و همکاران (۱۳۹۹): مناقشات منفعت‌طلبانه و بحران امنیتی آب در حوزه آبریز مشترک در منطقه غرب و جنوب غرب آسیا، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، دوره: ۹، شماره: ۲، صص: ۱-۲۴.
- حسین پور مطلق، مهدی (۱۴۰۱): تحلیلی بر هیدروپلیتیک خاورمیانه، روزنامه کارگزاران، ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۱.

اختلافات ناشی از تقسیم آب رودخانه‌های مرزی: مطالعه موردی ایران و افغانستان ۱۴۰۲-۱۲۸۲ □ ۵۵

رفیعی سقالكساری، کبری (۱۳۹۴)، نقش رودخانه‌های مرزی در همکاری و هم‌گرایی منطقه‌ای، مطالعه موردی: هیرمند، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه علوم سیاسی دانشگاه گیلان، صص ۹۰-۱. زارع، علی و همکاران (۱۳۹۶): دیپلماسی محیط زیست در پرتو هم‌گرایی بین‌المللی؛ رهیافتی مؤثر در نیل به سوی حقوق بین‌الملل توسعه پایدار، **مجله علوم و تکنولوژی محیط‌زیست**، دوره بیست و یکم، شماره ۹، آذرماه ۹۸.

سلطانی، غلامرضا (۱۳۹۱): بررسی تطبیقی الگوی مصرف و مدیریت تقاضای آب کشاورزی در کشورهای منطقه منا (خاورمیانه و شمال آفریقا)، **مجله پژوهشات اقتصادی کشاورزی**، جلد ۴، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۱، صص ۲۵-۱.

عراقچی، سید عباس (۱۳۹۳): دیپلماسی آب، از منازعه تا همکاری، **فصلنامه علمی پژوهشی سیاست جهانی**، دوره سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۳، صص: ۱۱۹-۹۱.

عسکری بزیاه، فاطمه و همکاران (۱۳۹۹): آب و چشم‌انداز آن در منطقه منا (خاورمیانه و شمال آفریقا)، **نشریه آب و توسعه پایدار**، سال هفتم، شماره ۲، ۱۳۹۹، صص ۴۴-۳۳.

مختاری هشی، حسین و همکاران (۱۳۹۵): بررسی سیمای انسانی مرزهای خاورمیانه و شمال آفریقا، **فصلنامه ژئوپلیتیک**، سال دوازدهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۵، صص ۱۰۳-۸۳.

ملکی، عباس (۱۳۹۷): سیاست‌های زیست محیطی در خاورمیانه (معرفی کتاب Environmental Politics in the Middle East; Legal Struggles, Global Connections)، **مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی**، دوره ۸، شماره ۲۷، تابستان ۹۷.

نجفی، اسماعیل (۱۳۹۹): بررسی پیامدهای هیدروپلیتیک مهار رودخانه‌های مرزی غرب ایران، **نشریه دانش انتظامی استان خراسان جنوبی**، سال ۹، شماره ۳ (پیاپی ۳۴)، پاییز ۱۳۹۹، ۸۷-۷۴.

## لاتین

- Agnew, J. (2011). Waterpower: Politics and the Geography of Water Provisions. *Annals of the Association of American Geographers*, 463-476.
- Aimar, A., & Erabti, H. (2015). Water Security and Climate Change: The Search for an Optimal and Sustainable Management. *مجله العلوم الاقتصادية و التسيير و العلوم التجارية*, pp. 1-19.
- Allan, J. A. (2002). *Water Security in the Middle East: The Hydro-Politics of Global Solutions*. London: SOAS/King's College London Water Research Group.
- Alsaka, Z. (2019). *From Climate Change to Climate Crisis: How worried should we be?* Jordan: RSS Spotlight.
- Angelakis, A. e. (2021, April 11). Water Conflicts: From Ancient to Modern Times and in the Future. *Sustainability*, pp. 1-31.
- Bozorg-Haddad. (2020). Evaluation of Water Shortage Crisis in the Middle east and possible Remedies. *Journal of Water Supply: Research and Technology - AQUA*, pp. 85-98.
- Dehshiri, M. R. (2019). Iran's Hydro-Diplomacy Towards Its Neighbors. *Quarterly Journal of the Macro and Strategic Policies*, 596-617.

- Eckstein, G. (2009). *Water Scarcity, Conflict, and Security in a Climate Change World: Challenges and Opportunities for International Law and Policy*. Texas: School of Law - Texas A&M University.
- Editorial. (2011, May). *Water Rights and Water Fights: Preventing and Resolving Conflicts Before They Boil Over*. *American Journal of Public Health*, Vol 101, No. 5, pp. 1-4.
- Haftendorn, H. (2000). *Water and International Conflict*. *Third World Quarterly*, Vol 21, No 1, pp. 51-68.
- Maas, A., & Tanzler, D. (2009). *Regional Security Implications of Climate Change - A Synopsis*. Berlin: Adelphi Consult GmbH.
- Mansouri Daneshvar, M., Ebrahimi, M., & Nejadsoleymani, H. (2019). *An Overview of climate change in Iran: facts and statistics*. *Environmental Systems Research*, 1-10.
- Menga, F. (2016). *Domestic and International Dimensions of Transboundary Water Politics*. *Water Alternatives*, pp. 704-723.
- Pearse, F. (2006). *When the rivers dry up: Water, the defining crisis of the twenty-first century*.
- Pereira, J. C. (2015). *Environmental Issues and International Relations, a new Global (dis)order - The role of International Relations in Promoting a Concerted International System*. *Revista Brasileira de Political International*, 191-209.
- Podesta, J., & Ogden, P. (2007-08, Winter). *The Security Implications of Climate Change*. *The Washington Quarterly*, pp. 115-138.
- Prochazka, P., Honig, V., Maitah, M., & Pljucarska, I. (2018). *Evaluation of Water Security in Selected Countries of the Middle East*. *Water - MDPI*, 1-18.
- Saier Jr., M. H. (2010). *Water Crises*. *Water Air Soil Pollut*. San Diego, California, USA: Springer Science + Business Media.
- Scheffran, J. (2008, May/June). *Climate Change and Security*. *Bulletin of the Atomic Scientists*, pp. 19-60.
- Scheffran, J. (2015). *Climate Change as a Risk Multiplier in a World of Complex Crises*. *Climate Change as a Risk Multiplier in a World of Complex Crises* (pp. 1-23). The Hague: University of Hamburg - Research Group Climate Change and Security.
- Sosa-Nunez, G., & Atkins, E. (2016). *Environment, Climate Change and International Relations*. Bristol: E-International Relations.
- Sowers, J., Vengosh, A., & Weinthal, E. (2010, April 23). *Climate Change, Water resources, and the politics of adaptation in the Middle East and North Africa*. Retrieved from Springer Science Business Media.
- Swatuk, L. (2021). *Global Water Crises and Challenges for Water Security*. In *ACADEMIA, Handbook of Security and the Environment* (pp. 1-23). Waterloo: ACADEMIA.
- Thompson, W. R., & Zakharova, L. (2022). *Climate Change in the Middle East and North Africa*. London & New York: Routledge: Taylor & Francis Group.
- Tubi, A. (2017). *A main driver or an intermediate variable? Climate Change, Water and Security in the Middle East*. *Global Environmental Change*, 39-48.
- Vidal, J. (2015, August 27). *Environment 2015*. Retrieved from Middle East Faces Water Shortages for the Next 25 Years: [www.theguardian.com](http://www.theguardian.com)
- Wang, S. (2021, Spring, Number 64). *Is Climate Change a Foreign Policy Issue? The New Atlantis*, pp. 56-64.

- Wolf, A. T. (1998). Conflict and cooperation along international waterways. *Water Policy*, Vol.1 #2, pp. 251-265.
- Yıldız, D. (2015). ISIS has turned the Middle East Hydro-Politics upside down. *World Scientific News*, pp. 16-31.
- Zhang, X. E. (2005, October 29). Trends in Middle East climate extreme indices from 1950-2003. *Journal of Geographical Research*, pp. 1-12.